

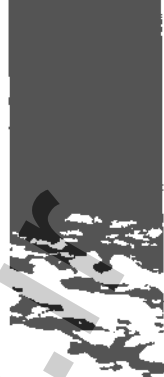
معیارهای بازشناسی احکام  
ثابت و متغیر در روایات

جلد دوم\*  
معیارهای تغییر

حسنعلی علی اکبریان



www.ketab.ir



معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات

جلد دوم: معیارهای تغییر

حسنعلی علی اکبریان

● ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  
معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

● تهیه: پژوهشکده فقه و حقوق

● ویراستار: ابرالقاسم آرزومندی

● لیتوگرافی و چاپ: باقری

● چاپ اول: پاییز ۱۳۸۶

● شمارگان: ۱۴۰۰

● قیمت: ۲۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، میدان شهداء، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن: ۷۸۳۲۸۳۳، دورنگار: ۷۸۳۲۸۳۴

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۸۵۸

وب سایت: [www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)

پست الکترونیک: [nashr@isca.ac.ir](mailto:nashr@isca.ac.ir)

علی اکبریان، حسنعلی، ۱۳۳۹ -

معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات / حسنعلی علی اکبریان، [تهیه و تدوین] پژوهشکده

فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. - قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶

۲۷۲ ص، ج ۲

(دوره ۲ جلدی) ۴۰۰۰ ریال.

(جلد اول) ۲۰۰۰ ریال.

(جلد دوم) ۲۰۰۰ ریال.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: [۲۳۵] - ۱۲۵۲ همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه

مندرجات: ح. ۱. معیارهای ثابت، ج. ۲. معیارهای متغیر

۱. سنت نبوی، ۲. اصول فقه شیعه، ۳. احادیث احکام - نقد و تفسیر، الف. پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ج. عنوان.

# فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۹  | پیش‌گفتار                                     |
| ۱۳ | فصل اول: قوانین خاص تغییر                     |
| ۱۳ | ۱. قوانین خاص لفظی                            |
| ۱۳ | ۱.۱. قرینه صریح                               |
| ۱۴ | تقد و بررسی                                   |
| ۱۷ | ۲.۱. قرینه غیر صریح                           |
| ۱۸ | تقد و بررسی                                   |
| ۲۰ | ۲. قوانین خاص غیر لفظی                        |
| ۲۱ | ۱.۲. مخالفت حکم روایت با مسلمات فقهی          |
| ۲۲ | تقد و بررسی                                   |
| ۳۱ | ۲.۲. صدور حکم به شکل قضیه خارجی               |
| ۳۳ | تقد و بررسی                                   |
| ۳۷ | ۳.۲. صدور حکم به شکل تقیه                     |
| ۴۲ | تقد و بررسی                                   |
| ۵۴ | ۴.۲. قابل اجرا نبودن حکم در حکومت جهانی اسلام |
| ۵۶ | تقد و بررسی                                   |

|     |  |
|-----|--|
| ۶۹  | فصل دوم: قرائن عام تغییر                             |
| ۷۱  | ۱. متغیر بودن موضوع                                  |
| ۷۴  | نقد و بررسی  |
| ۷۴  | مطلب اول: بررسی حیطة ادعای قرینه                     |
| ۷۴  | مطلب دوم: تفکیک میان حکم در موضوع متغیر و            |
| ۷۸  | مطلب سوم: جمع میان ادعای قرائی و حضرت امام           |
| ۷۹  | مطلب چهارم: قرینه اثباتی برای تشخیص در موضوع متغیر و |
| ۸۰  | مطلب پنجم: اصل اولی در مورد شک در وجود قرینه اثباتی  |
| ۸۳  | ۲. عرضی بودن موضوع                                   |
| ۸۳  | نقد و بررسی  |
| ۸۳  | مطلب اول: تفکیک میان مقام ثبوت و اثبات               |
| ۸۴  | مطلب دوم: تفکیک میان حکم در موضوع عرضی و             |
| ۸۵  | مطلب سوم: سعه مفهومی عناوین فرهنگ، محیط و اجتماع     |
| ۹۱  | ۳. فرعی بودن موضوع                                   |
| ۹۳  | نقد و بررسی  |
| ۹۳  | مطلب اول: تفاوت قرینه فرعی بودن موضوع با عرضی و      |
| ۹۴  | مطلب دوم: تفکیک اهداف فرعی دین میان هدف فرعی         |
| ۹۸  | مطلب سوم: احیای ادعای قرینه فرعی بودن موضوع و نقد آن |
| ۹۸  | ۴. در دسترس دانش بشر بودن موضوع                      |
| ۱۰۱ | نقد و بررسی  |
| ۱۰۲ | مطلب اول: نقد مقدمات بیان اول                        |
| ۱۱۱ | مطلب دوم: نقد مقدمات بیان دوم                        |
| ۱۱۹ | مطلب سوم: احیای ادعای قرینه و نقد آن                 |

۵. عرفی بودن موضوع ..... ۱۲۳
- نقد و بررسی ..... ۱۳۱
- مطلب اول: بررسی تغییر حکم به تحول در مصداق موضوع عرفی ..... ۱۳۱
- مطلب دوم: بررسی تغییر حکم به تحول در مفهوم موضوع عرفی ..... ۱۳۳
- مطلب سوم: بررسی معیار بودن فهم عرف زمانه ..... ۱۳۴
- مطلب چهارم: بررسی مخاطب مستقیم قرآن و ..... ۱۴۸
- مطلب پنجم: بررسی جمع میان سرایت ارتکاز زمانه به صدر اسلام و ..... ۱۵۴
۶. مصداق عدالت زمانه ..... ۱۵۶
- نقد و بررسی ..... ۱۶۶
- مطلب اول: نقد کلی نظریه غیر فقهی عدالت زمانه ..... ۱۶۶
- مطلب دوم: بررسی مناشیء تغییر مصداق عدالت ..... ۱۶۹
- مطلب سوم: بررسی نظریه فقهی عدالت زمانه در هر یک از مناشیء ..... ۱۷۳
- مطلب چهارم: بررسی توانایی بشر در تشخیص مصداق عدالت ..... ۱۸۶
- مطلب پنجم: بررسی ادله نظریه فقهی عدالت زمانه ..... ۱۹۰
۷. امتناع دخالت دین در موضوع ..... ۲۰۲
- نقد و بررسی ..... ۲۰۲
- مطلب اول: بررسی نسبت این قرینه با قرائن دیگر تغییر ..... ۲۰۲
- مطلب دوم: نقد مشترک میان این قرینه و قرائن زیر مجموعه اش ..... ۲۰۳
۸. تفویض و اعطای اختیار صدور حکم به وسیله دین در یک موضوع ..... ۲۰۳
- نقد و بررسی ..... ۲۰۸
- مطلب اول: بررسی اجمال و تفصیل در ادله تفویض ..... ۲۰۹
- مطلب دوم: بررسی تفکیک میان دلیل لفظی و لبی در تفویض ..... ۲۱۰
- مطلب سوم: ارجاع موارد تفویض به فقه ..... ۲۱۱

|     |  |
|-----|--|
| ۲۱۳ | فصل سوم: مطالب کلی دربارهٔ جریان معیارهای ثبات و تغییر   |
| ۲۱۳ | مطلب اول: جایگاه بحث از معیارهای ثبات و تغییر حکم        |
| ۲۱۵ | مطلب دوم: اعتبار معیارهای ثبات و تغییر حکم               |
| ۲۱۷ | مطلب سوم: اولین معیار ثبات و تغییر یا سکوی آغاز جست و جو |
| ۲۲۰ | مطلب چهارم: تعاضد معیارها                                |
| ۲۲۱ | مطلب پنجم: تعارض و مانعیت معیارها                        |
| ۲۲۸ | مطلب ششم: اصل عملی                                       |
| ۲۳۵ | منابع  |

## پیش گفتار

در جلد نخست، اصل اولی و قرائن ثابت بودن حکم مطرح شد. در این جلد به بحث از قرائن متغیر بودن حکم می‌پردازیم. از آنجا که مختار نویسنده در اصل اولی، اصلی اولی ثبات حکم بود، می‌بایست قرائن متغیر بودن حکم با تفصیل بیشتری نسبت به قرائن ثابت بودن حکم مطرح شود؛ چرا که این قرائن می‌خواهند با اصل اولی ثبات تعارض کنند و مقتضای خود را بر اصل اولی ثبات مقدم سازند. از این رو، حجم بحث از این قرائن بیشتر از بحث از قرائن ثابت بودن حکم خواهد بود. در این جلد، علاوه بر این که در دو فصل به قرائن خاص و عام متغیر بودن حکم پرداخته می‌شود، در فصل پایانی کتاب، کلیاتی پیرامون قرائن ثبات و تغییر احکام، از قبیل معیار اعتبار این قرائن و تعارض و تعاضد آنها و نیز اصل عملی در مقام شک در ثبات و تغییر حکم ارائه می‌شود این فصل پایانی گر چه در جلد دوم قرار دارد اما مربوط به مطالب هر دو جلد کتاب است.

پیش از ورود به بحث قرائن تغییر حکم، توجه به چند مطلب لازم است:

مطلب اول: مقصود از قرینه تغییر حکم قرینه‌ای است که به نحوی در تشخیص

تغییر حکم دخالت داشته باشد، خواه به صورت تمام و علت تامه کشف کند که حکم روایت، حکمی متغیر و موقعیتی است، و خواه به صورت مقتضی و علت ناقصه بگوید که اصل اولی در آن متغیر بودن حکم است.

قرائن تغییر به دو قسم قرائن خاص و عام تقسیم می‌شوند. مقصود از قرائن عام هر قرینه‌ای است که می‌تواند وضعیت دسته‌ای از احکام را که مربوط به یک موضوع معین هستند، روشن کند. در مقابل، مقصود از قرائن خاص هر قرینه‌ای است که می‌تواند وضعیت حکم فلان روایت را معین کند. در خاص بودن قرینه فرقی نمی‌کند که کارایی قرینه فقط در خصوص یک روایت باشد یا در بیش از یک روایت نیز به کار آید؛ زیرا در مواردی که قرینه خاص در بیش از یک روایت کارایی دارد، آن روایات درباره موضوع معین و واحدی نیستند؛ مثلاً قرینه «صدور حکم از روی تقیه» گرچه یک قرینه کلی است و به یک روایت یا یک حکم اختصاص ندارد؛ اما احکامی که مشمول این قرینه می‌شوند، می‌توانند از موضوعات مختلف باشند. پس این قرینه - در تقسیم‌بندی این کتاب - یک قرینه خاص به‌شمار می‌آید. اما مثلاً قرینه «متغیر بودن موضوع» قرینه‌ای است که درباره احکام موضوعات متغیر جاری می‌شود و یک قرینه عام به‌شمار می‌آید. از ویژگی‌های قرینه عام این است که پژوهشگر می‌تواند به وسیله آن و بدون مراجعه به روایات آن موضوع، وضعیت ثبات و تغییر احکام آن موضوع را از پیش بشناسد؛<sup>۱</sup> اما در قرائن خاص برای چنین قضاوتی حتماً باید در روایت یا حکم معینی که محل پژوهش اوست، دقت نظر خاص کند. البته می‌توان نام قرائن عام را «قرائن موضوعی» و نام قرائن خاص را «قرائن غیر موضوعی» گذاشت که این دو

۱. البته برای اینکه پژوهشگر احراز کند که این قرینه معارضی ندارد، باید به جمیع ادله حکمی که بررسی می‌کند، رجوع کند؛ اما این رجوع پس از فراغ از قضاوت اجمالی و ابتدائی است که براساس این قرینه درباره جمیع احکام آن موضوع کرده است.



نام نیز گویای وجه همین تقسیم هستند.

در این کتاب، گرچه از هر قرینه - چه خاص چه عام - مستقلاً بحث می‌شود و از قید خاص یا عام بودن آن استفاده علمی در نقد نمی‌شود، اما فوایدی بر این تقسیم‌بندی مترتب است:

اول اینکه در قرائن عام، ویژگی معینی که در موضوع وجود دارد، معیار اصلی قرینیت قرینه را تشکیل می‌دهد. در تقسیم قرائن خاص به لفظی و غیر لفظی، و تقسیم قرائن لفظی به صریح و غیر صریح نیز همین اشعار وجود دارد؛ یعنی فهمیده می‌شود که قرینیت فلان قرینه به معیار «صراحت لفظ» یا «ظهور لفظ» یا نکته‌ای از نکات غیر لفظی است. پس وجه تقسیم‌بندی و نام‌گذاری قرائن دقیقاً بر اساس قرینیت قرینه است.

دوم اینکه: تبیین، تدوین و آموزش انبوهی از قرائن، بدون ترتیب و طبقه‌بندی، ملال‌آور و غیر منظم به نظر می‌رسد؛ در حالی که هرگونه ترتیب یا طبقه‌بندی آنها باعث انسجام مطالب کتاب می‌شود.

در کنار این دو فایده، می‌توان این نکته را اضافه کرد که تقسیم‌بندی و نام‌گذاری یاد شده هیچ آسیب منطقی برای مباحث این کتاب ندارد؛ زیرا تبیین این قرائن ترتب منطقی بر یکدیگر ندارند و نویسنده نیز در هیچ یک از مباحث کتاب استفاده علمی از این تقسیم‌بندی و نام‌گذاری نمی‌کند.

مطلب دوم: در فصل دوم از جلد اول این کتاب از اصل اولی سخن گفته شد. نسبت اصل اولی، با قرائن تغییر حکم چیست؟ اگر فقیه اصل اولی تغییر را پذیرفته باشد، آن اصل اولی باعث تقویت این قرائن می‌گردد. قرینیت هر یک از این قرائن بر تغییر حکم، قوی‌تر از قرینیت اصل اولی تغییر بر تغییر حکم است؛ چرا که اصل اولی تغییر، ادعای خود را بدون اختصاص به یک موضوع یا روایت خاص مطرح

می‌کند و این قرائن، یا در خصوص یک روایت و یا در خصوص یک موضوع وجود دارند. پس نسبت اصل اولی تغییر و این قرائن نسبت عام و خاص است و روشن است که قرینیت خاص، قوی‌تر از قرینیت عام است.

اگر فقیه اصل اولی ثبات را پذیرفته باشد و همانند ما دلیل آن را اطلاق مقامی روایت یا ارتکاز غیر مردوعه ثبات حکم دانسته باشد، این قرائن - به فرض اعتبار - مقدم بر اصل اولی ثبات خواهند بود؛ زیرا هر دو دلیل یادشده متوقف بر ثبوت ارتکاز و عدم ردع هستند و این قرائن، یا به عنوان ردع ارتکاز ثبات در خصوص یک حکم یا یک موضوع پذیرفته می‌شوند، و یا به عنوان دلیلی بر عدم ثبوت ارتکاز ثبات در خصوص یک موضوع. پس به اصطلاح اصولی، تقدیم این قرائن بر اصل اولی ثبات در برخی موارد از باب ورود، و در برخی دیگر از باب تخصص است.

اگر فقیه یکی از اقوال تفصیل را انتخاب کرده باشد، دلیل او در موضوعی که ادعای اصل اولی تغییر را دارد، همان ادله قرینه عام تغییر در آن موضوع است؛ حتی اگر فقیه اصل اولی را به هیچ شکل نپذیرفت، باز این قرائن می‌توانند ادعای خود را مطرح کنند. جریان قرائن خاص به فرض انکار اصل اولی روشن و واضح است و جریان قرائن عام نیز در برخی از صور با انکار اصل اولی قابل جمع است و در برخی دیگر متناقض. توضیح این نکته در مقدمه بخش قرائن عام تغییر خواهد آمد.